

خبر رسیده است که

«سزده استی ۱۵»

سزده

۵

۱- مقدمه

۱۳

۲- برخی از مسائل استی

۳۶

۳- گزارش اردشگری یک جاسوس سادک در خارج

۳۹

۴- شصت و دو نفر سادگی

۴۱

۵- گزارش یک سزده استی

۴۶

۶- گزارش یک نقیب

۴۷

۷- یک تجربه استی

در سه مبارزات خلقی، سیاسی و مبارزات و نایب‌المنافع درونی سیستم‌های
 اجتماعی باعث شده است که امروزه با سیاست و اجتماع و درگیری‌های انقلابی
 در این جهان جنگی بیشتری از خود نشان دهند. این دلیل امروزه شاهد مبارزات و سیاست
 پلیسی - امنیتی بین این کشورهاست. استراد "مجرمین" سیاسی در برخی از کشور های
 اجتماعی یک نمونه از بازتاب این مبارزات می باشد، ضمن اینکه در کشورهای با مصالح متعلق به
 جهان آزاد نیز چهره‌ت مثل امروز انقلابیون و نیروهای مترقی محلی و خارجی تحت فشار و
 کربش بوده اند، طرح واحد پلیسی برای تمام ارباب، که درست می باشد نیز از این دیدگاه
 قابل بررسی است.

در سه مبارزات طبقات و اقشار گوناگون خلق ما از آنکه سازمانها و گروه های گوناگون
 سیاسی و مواد سازمانهای مسلح پیشمار حضور ما بر این مبارزات و ارتقاء و توسعه سیاسی بوده های
 خلق می بخشیده است می شود که رژیم با این گیری بیش از خود در صدد از بین بردن این مبارزات
 و همچنین عناصر پیشمار آن برآید. اکنون رژیم برای از بین بردن عناصر پیشمار خود اکثر نیروهای
 مادی و معنوی خود را بیع نموده است و در شرایط مختلف می حاضر است حتی برای از بین
 بردن یکی از این نیروها بهترین نیروی انسانی و مادی خود را از دست بدهد. ناخوشایتم این بودی
 امروزه نهاد جبهه داخلی با هیچ وجه جبهه نظامی - سیاسی - ایدئولوژیکی سعی در از بین بردن و
 منروی کردن نیروهای پیشمار خلق دارد، بلکه در خارج از مرزهای داخلی با تلاش هر چه بیشتر

فناقیتهای جاسوسی خود نیز این هدف را دنبال میکند. در سالهای اخیر فعالیت عناصر سازمان امنیت در کشورهای خارج ابعاد تازه ای بخود گرفته است. انشای فناقیتهای جاسوسی عناصر ساواک در خیلی از کشورهای خارجی و شناخته شدن و انشای بعضی از این جاسوسان ساواک در انگلستان و آلمان و دستگیری یکی از همین جاسوسان از طرف نیروهای اطلاعاتی سازمانهای فلسطینی و ... گوشه ای از این کوششهای ضد خلقی ساواک برای هشی کردن و ترساندن چینی در مقابل جنگی از نیروهای خلقی و ازین بدون پیشقازان آن است. دولت انشای مکرر عوامل ساواک در نزد نیروهای خلقی دیگر هیچگونه برده پوششی در مورد اینگونه عملیات ضد مردمی از طرف ساواک امکانپذیر نیست، همین دلیل اخیراً خود بریم بازها با منگنه عملیات جاسوسی در کشورهای خارج اعتراف نموده است.

وابستگی شدید بریم حاکم در ایران به کشورهای امپریالیستی از یکطرف و از طرف دیگر باز برداشت میانی از اوضاع کشورهای خلقی کشورهای ارتجاعی منطقه در همکاری وسیعتر کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی با بریم ناستیتی - سلطنتی ایران مؤید بر علت میگردند. با توجه به این موارد اگر روزی برای اعلا هر یک از مفاقد موضوع امنیت مسلکهای ایجاد گردد مشکلات زیادی بر ایران بوجود خواهد آورد و انزوی زیادی از ما خواهد گرفت و تازه معلوم نیست که ضرر به بهر چه نفوذ دیگر نیز سرایت نماید. بنابراین در چنین شرائطی از سببیت ارتجاع در پهنه جهان و شرائط خاصی که بریم حیانتکار شاه ایران بر خوردار است برای حفظ خود باید چهار گیسیم؟ چگونه می توانیم با انکاد بخودمان از درون به چنان استقامتی برسیم که در مقابل عناصر ساواک و پلیس ارتجاع همچون باییم؟ چگونه می توانیم

بقریبات پیراننده و فردی خودمان را به سطح یک پرنسپ ارتقاء داده و در خط آستان
 بشویم؟ این کار با هر خود فعال و مسلطانه هم رفتار انجام می‌گیرد و وسیله تحقق این رسالت
 بهره این جزوه است.

رضا! بقریبان اینی خود را جمع بندی نموده و برای ماندن سینه تایید رج در این نشریه
 سایر رفتارها بماند از آن استفاده نمایند. در این مورد رفتار او را بقریبات خود در گذشته ها
 ۸۵ برای این بنویسید و تا اینجا بطور جداگانه بنویسید، نه اینکه همراه با نامه و سائل که اکثر نامه
 در نامه برای رفتای مسئول خود می‌نویسید، یک بقریه اینی را بنویزان درج کنند.



(*)
 امروز روابط رژیم فرانسه با رژیم شاه خائن در سطحی عالی از همکاری برای دو جانبه قرار دارد
 در واقع از سال ۱۹۷۴ با سفر ت شاه ایران به فرانسه و پس از آن هویدا و سپس اسال با سفر ت
 ژنرال دست ایران و عقد یکدی قرارداد های عظیم اقتصادی - تجاری مناسبات میان دو
 کشور وارد فاز جدیدی از همکاری برای همه جانبه شده است. گسترش این همکاری برای دو جانبه
 تا بدان حد رسیده که جدید آ از همکاری پلیس اینی فرانسه با سازمان امنیت در سیستم
 کنترل کامپیوتری جدید داخل کشور نیز اخباری بگوش می‌رسد. از این گذشته تدها که
 مشترک پلیس فرانسه - ساداک در اخراج چهار نفر از اعضا گفته راسیون و دستگیری در زمانی
 (*) - این مثبت مربوط به فرانسه است و رفتار که این جزوه را برای سایر برادران
 در کشورهای دیگری می‌فرستند. اخبار مربوط به فرانسه را بکنند و در عین ایستادگی حتما با مسئول
 خود مشورت نمایند. این ملاحظه را برای سایر مطالب در نظر داشته باشید.

در اندر دیگر از اعضا، کمترین سهم با تمام برافرازی یکی از جاسوسان رژیم، کمترین پلیس فرانسه
 علیه هم عدم ارائه هیچگونه مدرکی و دل برائت استقامت، نمونه دیگری از همکاری پلیسی - امنیتی
 در حمایت فرانسه و ایران می باشد.

وفقاً به اسناد فوق در اینجاچه رنگ خطری را در کوشان بصداد می آید؟ این دو اردما
 را این نتیجه می رساند که امروزه با ایستادگی در مسائل امنیتی بیش از هر زمان دیگری هوشتیار
 باشیم و پیوسته هوشتیار انقلابی خود را ارتقاء دهیم. در زمینه مسائل امنیتی شاخه های ما
 با ایستادگی بیش از اندازه حاکمیت برخورد داده و بلافاصله هر امر غیرعادی را به سرعت حل و درک
 نماید.



برخی از مسائل ایسی فرانہ

الف. در مورد خانه

۱- در اینجا لازمست که آدرس فرد یا محلی که برای آدرس در نظر گرفته است (در متن، محکم و مانع گفته باشند) برای اقامت در فرانسه در صورتیکه پیش از سه ماه قبول اقامت، احتیاج به گرفتن کارت اقامت است. (در متن، در صورتیکه احتیاج به گرفتن کارت اقامت است) روی کارت اقامت آدرس فرد در فرانسه میسرود و در صورتیکه آدرس عوض شود، باید به پلیس اطلاع داده شود. پلیس آدرس جدید را روی کارت می نویسد. بنابراین در صورتیکه کارت اقامت نداریم، باید در هر مورد با پلیس اقامت خود را کمتر از سه ماه بگوئیم و محل فعلی زندگی نیز باید اعلام داشته باشیم. (در متن، اقامت خود را در کمتر از سه ماه بگوئیم و محل فعلی زندگی نیز باید اعلام داشته باشیم) همچنین باید در نظر داشت که ساختمانهای پارکینگ و کوچهها و خیابانها را در آنجا که خانه را اجاره کرده است، باید در دفتر محلی می کنند. این افراد کمتر به ساکنین ساختمان اتره می کنند ولی برخلاف دولت اجازت میدهند که از این روایت عمل انتخاب شده (ملاحظات اقامت) برای اسباب مانع کننده باشد. برار دی دیده شده است که سراید را از تردد راننده به منزل یا کلب هت رفا حاشیت زاید خرج دادند و وقتی با معاینه پلیس پول به آنها داده شده و نه تنها دیگر حاشیت بخرج ندادند بلکه بار فساد دولت می شدند.

برخی از سائل‌های مبتدی نرانه

الف. در مورد خانه

۱- در اینجا لازمست که آدرس منزل یا محلی که برای آدرس در نظر گرفته است، روشن، محکم و مانع‌گرفته باشد. برای اقامت در نرانه در صورتیکه پیش از سه ماه قبل از اقامت، احتیاج به گرفتن کارت اقامت است.

۲- روی کارت اقامت آدرس

در نوشته می‌شود در صورتیکه آدرس عوض نشود، باید به پایین اطلاع داده شود. پس آدرس جدید را روی کارت می‌نویسد. بنابراین در صورتیکه کارت اقامت نداریم، باید در هر دو بایلیس، مدت اقامت خود را نیز از سه ماه بگوئیم و محل فعلی زندگی نیز بایست که آدرس داشته باشد. با این حرفه می‌تواند

همچنین باید در نظر داشت که ساختمانهای پارکینگ همگی گنجانیده می‌شوند و اینست که در طبقه همکف زندگی می‌کنند. این افراد کمتر به ساکنین ساختمان توجه می‌کنند ولی برخلاف دست

اجزای می‌دهند از اینرو بایست محل انتخاب شده (ملاصحت اقامت) برای اینها مانع‌گرفته باشد. برآوردی دیده شده است که سرایداریها از تردد زائر به منزل یا یک هویت رفقا

حسیت زایدا و خرج دارند و وقتی صاحبان به معنی پول به آن‌ها داده شده نه تنها دگرگشت

اجزای می‌دهند بلکه بار تعداد دست می‌شدند.

۲- پس خرافه گاهها نفس را منزل نمکند (تأثرن خدین بار مضوعات خرافه
به این امر اعتراض کرده اند) بدین جهت نباید از نفس منزل با استیفاء نیز ما اعمار عناصر سر-
شناس خارج یا عناصر سیاسی خارج و ایرضای انظار بهای دانشجوئی تماس گرفت.

و وقتی حیوانیم قرار نگذاریم همه
تغذیلات قرار را بطور کامل نگیریم، مثلاً محل قرار را میتوان از قبل مشخص کرد و هنگام نفس
ساخته آواز رفت یا محل آنرا بدون گفتن نام برزنی نرساند.

۳ - وقتی می خواهیم نامه ای بپست کنیم، مخصوصاً اگر برای کشورهای عربی باشد،
از موزینی که نزدیک محل اقامت ما است، یا از صندوقهای پستی نزدیک، باید استفاده کنیم.
چون هر هر منطقه پستی متوقف است و از این رو، در صورت بروز درد یا نامه با گنجی می تواند فهمید که از
کدام منطقه پست شده است.

۴- هر رشتی که از خانه ای بخانه دیگری رود همچوین در سرتر و در نقای خود مان نیز
باید خود را تقصیه کند. هنگامی که از سرتر و ترک خود نکلی به خانه بازی گردیم، هنگامیکه به کتابها
خود مشغولیم که تلبه الهی ایرانی می فرستد سرزده ایم، هنگامیکه از شرکت در یکا حلب سیاسی
ایرانی بازی گردیم، یا به محل های دانشگاهی که محل تجمع دانشجویان ایرانی است رفته ایم،
در همه این حالات باید قبل از بازگشت به خانه یا رفتن به سرتر و ترک رشتی بطور دقیق و جدی
خود را تقصیه نماییم.

۵- رفت درآمد به خانه بایست تا پنج رقم باشد. هر سق خطام خرج از خانه سات
رگشت ظهور البیّن نام و بیچاره رفت و در آن استغیثه را که هر خبری بدون دلیل
www.peykar.org

گاهلا مرجع نباید از طرف رفقای هم خانه پذیرفته شود. رفقای هر خانه باید با نامه ای بتوانند
 جداگانه دیزان تأمین بین خود تعیین نمایند (مثلاً در ساعت بین از پایان وقت عصر) و در صورتی که
 یکسان بین دیزان وقت هم بخانه برگشته، باید خانه را از مدارک هم تعلیم کرده و ببردند. (*)
 همچنین رفقای هر خانه باید با هم تراشیت برای چنین مواقعی داشته باشند و از این طریق ارتباط
 جدید خود را برقرار سازند. و در این حال همه رفقای آدرس پستی را حفظ باشند که در صورت
 قطع ارتباط با آنها مخاطبه کرده تا تماس وصل شود.

۶- در خانه باید همیشه کتابها و مدارک، تنظیم و مرتب بوده و مدارک مهم در جای
 مشخص باشند تا در موقعیکه ضرورتی پیش می آید، به دست بتوان آنها را تعلیم کرد و در وقت
 یک کتاب یا کاغذ و یا... سرگردان نشود. همچنین کارهای بودار و مدارک دیگری (مثل پامپرت
 اضافی و...) را باید در جاسازی نگهداری کرد. در نوشته های گاهلا اینجای مثل مشخصات یک فرد
 آدرسها و اسرار شخصی، باید بجای مشخص جاسازی باشند، و یا با رمز نوشته و نگهداری شود.

۷- اگر خانه ای از فقره وضع امنیتی اش، گاهلا دفعی نیست، (مثلاً صاحبخانه یا
 مستخدم یا مسئول محل نگهداری می کند، یا از طرف رفقا استیضاحی سرورده) نباید مدارک مهم یا
 نسبتاً مهم شخصی از دستیل اشراکت داخلی و... را نگهداری کند.

۸- اگر مدارک سرور از طرفی که در خانه جمع شود، نمیتوان سروراند امنیتی، سر

(*) ۱- البته وقتی رفیقی یک خانه بکنی دارد که برای مواقع دستگیری لو به دست، اگر رفقای هم
 هم منزل ۲- تعلیم متزل بی نیستند در صورتیکه دستگیری رفیق نیز در طول یک وقت و مسائل دیگری
 که باعث لو رفتن منزل بی باشد، پیش نیامده باشد، مانند همراه کردن آدرس و شماره تلفن
 منزل بی و... آن رفیق نیز طبقاً باید در منزل متزل بی خود را و حتماً به محرزان
 ارشیو اسناد سازمان پیکار در راه ارادی طبعه کار کرد

دین کرده و در تداوت راجعت در این مورد نیز اگر محدودیتی وجود داشت بایستی موجهی مافی صبح
زود آنها را بیرون برود و در ساعاتی دورتر از خانه داخل مسکن آشفالی گذاشت و اقرار بود تا
رونگران آنرا داخل مابین آشفالی خود گذاشته بگذارند.

ب - قرار

برای اینکه فرد عمل های مناسب و نامناسب برای قرار را بشناسد، باید آشناسی
مختصری با نقشه شهر داشته و یک شای کلی از شهر در دست داشته باشد. در مرحله اول قرار باید به
حینه نگاشته توجه کرد:

۱- محل قرار باید در جاهائی باشد که پلیس به آنها حساس است. این محل ها عبارتند
از حرای سفاخانه ها، بانک، شرکت های اسرائیلی، شرکت های بین المللی، ساختمانهای
بزرگ، اینستای راجعت، سفاخانه ها و مراکز مهم دولتی، موسسات و سازمانهای چپ و ...
سفاخانه های نزدیک ناحیه پاریس ۱۶ کمتر است، شرکت های هواپیمائی در اطراف OPENA
هستند، بسیاری از آنها نیز در همین جا تمرکز می باشند.

یکی دیگر از اماکنی که پلیس نسبت به آن حساس است، خیابان پیکال (بین استقامه های
مردی PL. cliche - السیقه CHAPELLE، روی خط NATION) است.

این منطقه، محل عده های پاریس است و چون در آن اجناس قاچاق و غیره است،
نروخته می شود، پلیس آنرا کنترل می نماید و حتی امکان کنترل دسته جمعی توسط پلیس در برخی
موقعی های آن وجود دارد.

۲- محل قرار: در مکانی مجتمع ایرانی باشد و هنگام رفت و آمد به این گونه ایستادن، باید

وقت کافی نگاربرد. این فصل با عبارتتدواری

مراکز دانشگاهی مخصوص ستم (اوپر ستم) رستورانهای دانشگاهی واقع در سن پیت
و اطراف آن آلبانی فرانسه (کلاس فرانسه) مادم از فروش کتب فارسی و در زمانه های ایرانی
که در همان سن پیت قرار دارند. در میان رستورانهای دانشگاهی، یک رستوران معروف به
رستوران ملیانها در سن پیت وجود دارد که مرکز همه ایرانیهای مسلمان است.

روزنامہ فروشی ہائی کہ روزنامہ ایرانی ہی فروشد، اکثر ادیبان سن پیشہ واقفندہ
(سن السقاہ نقروی کوکر امیرنگ تا السقاہ نقروی سن پیشہ)

همین در تقاطع دیرسیونا، مثل CHATELET و REPUBLIQUE
نمایه قرار گرفته است. در تقاطع چهارمای فوری خود ادرستگاههای بدون تقاطع قرار
مثل PASSY و دیرسیون ETOILE ... بگذارند. اما اگر زمان تریا پیر از حد دقیقه
نزدیک به سرجی متر در روند.

۱۳- کلید مسائل مربوط به تقصیر برای پل و دیوار قرار حاضر که در مورد خانه گفته شد باید رعایت شود. و فعالی تواند هرگز را تقصیر نماید و در این مورد حتی اگر ریشی در اثر تقصیر ریشی دیگر خانه خودی یا بنی او را نیز زخمی نموده است. در این مورد قمار ریشی که در در تقصیر قرار گرفته و تقصیر او ایستی بینه بدلی بر سر خطه شلاق بشود.

ع - از چهل کوبن سینه های حاوی کتب سازسانی و مدارک در انستیتوهای فوق الف قطع و در مکان دیگری که احتمال بازرسی نپس هست خودداری شود و بطور کلی از سماعت ده شب بعد در صورت پیش نیامدن فی کار حقوق العاده در وقت در شهر خودداری کرد.

۱ - رفقا با اطلاع و موافقت مسئول به حال سیاسی اسل میثیق ماه نظامت

حسابات و ... که از سوی کفند رایون برگزار میگرد (و در نزد

۲ - در مورد یادداشت کردی در شماره تفنن ها و ... (در صورتی که یادداشت کردی آن واقعه ضروری باشد) باید بر سر یادداشت کردن خط و شماره تفنن را بهتر است به فارسی بنویسیم تا احیاناً در صورت وجود بایقی، هرگاه بطور اتفاقی و سطحی نخواهد گذشت بکند، متوجه نشود و وقت خرج ندهد (اگر بایقی نداشته باشد گفتنی است که وزیاد شکوک باشد، وقتی شماره فارسی را بنویسد احتمالاً متوجه نمی شود که چیست و

ساده تر از آن میگردد و همین طور ساده تر مستقیماً آنرا ترجمه کرد که مثلاً شماره تفنن دوم در ایران است و ... اما اگر شماره به فرانسه نوشته شده باشد، بگو ای بایقی آشنا تر خواهد بود و حکمت بیشتر وقت کند ۱۰ البته به حال باید بر نوشته شود (اما

۳ - هر صبح باید آدرس را بکلی یادداشت باشد تا در صورت پیش آمدن هر اتفاق انشائی (در رابطه با مسائل سیاسی) با او کلی تاس بگیرد.

۴ - رفقای اعیان به مکانهای روزداری مثل کتابخانه های محل فروشی نتر آید و حسابات را بخوبی و ... سر میزند بایستی در رعایت مسئله تعقیب و مراقبت بیشتر احساس مسئولیت نمایند. قبل از ورود اینها باین و بعد از خروج از آن خود را چک کنند و با هر گونه نمونه شکوک و خود خدای محل آورند. مثلاً در سامانی به کتابخانه سرزد که در آن کتابخانه و توجه به اشیاء را در صورتی که امکان از هر

زمان دیگری خدمت تر باشد. و یا با شورت صاحب کتابخانه و توجیه او کتابها را در وقت
امکان از در خصوصی - دردی که محل رفت و آمد عمومی نباشد - به کتابخانه برود.
ضمناً بطور کلی در برکتی به بعضی از احکامین بر دار که برای ماحینه اجباری دارد و باید
تغییر میانه داد.

۸ - بیت

قبل از ورود به بیتخانه و بعد از خروج از آن باید خودمان را چک کنیم. آدرس
بیتی را باید مرعیه ماه در میان عرض شود. اگر عونه استواری دیده شد باید بلافاصله
آدرس بیتی را عرض کرد. در نقطه با مرصق باید یک آدرس برگشتی جداگانه داشته باشیم.
بنا بر این اگر باشد مرصق به آدرسهای بیتی جداگانه نقطه داریم باید از سه آدرس برگشتی نیز
استفاده کنیم. اگر هنگام مراجعه به آدرس بیتی چند کارت شناسایی مختلف همراهان
باشی قبل از ورود به بیتخانه مرد و قطر تمام کارهای شناسایی دیگر را در بین یا کتاب
یا کیف و ... جاسازی کنیم فقط کارت همان آدرس بیتی هنگام مراجعه در دست
رسان باشد. هنگام ارسال نامه یا کلمات از بیتخانه نزدیک منزل استوار ننهد.

۶ - ارسال و مراسلات

در ارسال و مراسلات خود را از علامت اطمینان استفاده کنیم تا اگر در سال
از سه و حرکت به عقد مورد باررسی قرار گرفته متوجه شویم. مثلاً روی پاکت
بیت علامتی که داریم که در صورت باز کردن نامه به سه عوامل سلام متوجه می‌شود.

رفتار در کتابات خود برای نامیدن بعضی از اسامی ساده نام کشور، شهر، قرار، محل
 قرار، محل علامت، روز و وسعت اجزای قرار، انواع اسلحه و شماره تفنگ و ... از
 کلمات و مترادف و تلمیحات و الفاظ در لغت بردن همین کلمات و رمز آنی شکل ظاهری نامه
 در حالت غیر عادی خارج شده حتماً باید نامی نوشته شود. مثلاً اگر ما میخواهیم در
 برای بعضی از سیستم چون ملاحظاتی دارد قرار در نظر داریم از حالت یک قرار عادی
 خارج نیست) و باید همه را از کلمات رمز استفاده کنیم که شکل ظاهری نامه انشود
 نباید، باقی همه کلمات و رمز بصورت نامی نوشته برای نامی نوشته یک نامه
 هوئی می نویسیم و در این خطوط این نامه قابل خودمان را می بینیم و نامی می نویسیم. اگر
 اسرار استخوان از فوتمالین و ... استفاده کرده و مقصد نیز
 اگر روی خطوط رمز کی مایع رقیق شود سوزآور بکشد و وسیله ای نوشته های
 نامی بصورت ^{هوشی} در آید. و قابل خواندن میشود و فوتمالین را استخوان در خوردن
 رقیق و با آب نوشیده و باید استخوان در سینه آب میو با آرد و آب پیاز نهند
 با خود از این بنویسد و در این صورت مقصد باید آب را وسیله افروختن داده تا نوشته ها
 نمایان شود استخوان بجای استفاده ^{از} نامه را با قندری خرد کرده تا نوشته
 نمایان گردد. و همانند این خود وسیله رمز تعیین گشته که نامه سالن بر وسیله مواد
 شیمیایی (فرع اول) ظاهر میگردد یا در اثر حرارت (فرع دوم)

- ۷ - رمزهایی که از اسرارهای جعلی استفاده می نمایند. اسم و مشخصات خود
 را مطابق مایه یا بصورت با نظر مسئول در اختیار رقیق دیگری گذارد تا آنی برای
 آنها اسامی ایجاد شده باشد این اسم و مشخصات آنها جدا بوده است.
- ۸ - وقتی از منزل خارج میشویم بر روی هم نامه خود بنویسیم که برای چه میرویم

برایم و اینجا میرویم اگر دانشگاه برای رفیق میخواند این اطاعتی ایجاد شود
 میتوان رضای مسئول را به جویان گذارد و سره خود قوار دارد.

*

*

*

گزارشی اردشیر برای پادشاه ساسانی

در عرض چند سال گذشته بارها ساسانیان کوشیده‌اند تا به وسیله عناصر خردش برای تاس با
 شادمانت نبطین و قنق سرپوش مبارز طرند و نبطین و قنق دست رخنه کرده و از قنق و قنق تاس
 ساسانیان ایرانی با مقاومت نیروی بارور، تاکنون ۴ هزار و شصت و شش نفر کشته شده و در این
 تاسهایشان مرده و بایده و مقرر شده بود که جواب رد داده شد، سیه و گارنج بر این بود که
 در وقوع آن افراد را با ساسانیان باقی مانده و در حقیقت چیده ملی که حضور داشته است (طی
 می‌گردد و اگر آن افراد در تاس بیدار می‌گردد، جواب رد داده شد، سیه و گارنج در مورد خود
 ساسانیان را این بفرزدهان با قنق چون حوا را این می‌دیدند و می‌گذاشتند و می‌زدند و در مورد دیگر
 نام و شهرات و احیاناً آدم‌های آنها را اختیار با قنق می‌گرفت تا تعقیب کنیم، یکبار و نفر را حبه
 کردند نام یکی از آنان منطبق با نامی بود که از داخل خبر داده بودند که ساسانی است و برای تعقیب
 خرد را نزد ما بفرج آمده است، آنروز فقط یکبار به دستور و ابط خارجی نفع مراجعه کرده، بودند اسم
 آنها از روی پاسپورت آن نوشته شده بود اما آدم‌های (حق) خود را عوضی داده بودند و وقتی
 مراجعه کردیم خیال کسانی در آن ملک نبودند، در زیر یکی از این عناصر را که بیش از همه توانسته
 بود رخنه کند می‌آوریم؛

در اواخر سال ۷۲ یکی از دانشجویان طایفه در بیروت که برای شناخت گفت که
 دانشجوی ایرانی از اتریش آمده و می‌خواهد به مقاومت بپیوندد، او از طرف اتحادیه دانش
 جوانان طایفه در اینسبرگ (اتریش) نامه‌ای برای اتحادیه دانشجویان طایفه در بیروت
 آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

دارد که امری کرده و خواستگاری به این بارز ایرانی شده است. قرار شد اطلاعاتی از آن فرد بدین آنکه خود او بجزیه برای ما آورده شود، معلوم شد بر حسب پاسپورت مشخصات او چنین است:

محمد حسین رضا اصفانی، اهل یزد متولد ۱۹۴۷ در حبس ادعایش در شهر اینسبرگ (اتریش) دانشجوی فیزیک بوده و سه سال است در خارج زندگی می کند. او عضو کنفدراسیون است. دو سال مبارزی را در تظاهراتی در عراق گذرانده است. نامه اتحادیه دانشجویان فلسطینی در اتریش خطاب به دانشجویان فلسطینی در بیروت را هم برای ما آورده که منوچریش است.

ما در همان اول آن دانشجوی فلسطینی و دو رفیق دیگرش را همراه داریم که نسبت به او اصرار داریم که با احتیاط برخورد کند اما در یکی طرف و سادگی آن رفقای فلسطینی که گول شعارهای بیفای فلسطین او را خورده بودند حوری بود که همچنان او را در کنار خود نگه داشتند. همان زمان به دفتر روابط خارجی این موزه نوح را همراه داریم که گفتند ما او را احاطه کرده ایم. اما در اتم او در خانه یک دانشجوی فلسطینی بنام عبدالله بدوان زندگی میکرد و این طرف و آن طرف سری زد. گاه خود را عضو فعال کنفدراسیون معرفی می کرد. او و توی در اردو بوده و بنابه دستور ساداک نامیده به حبس ملی در زندانی نویسد دارند آنها میخواستند که او را برای سیدین به قتل رساندند. فلسطین را همانی گفته، ماسانی با و نامه ای می نویسد که ساداک میخواست برای قتل کار کنند. برایشان پول جمع کنند و شریات بخش کنند آنها احتیاجی نداشتند به اینکه کسی هزار با آنها بیفتد. ندارند و اصلاً نمی دانند. طرف این نامه آرم و مهر حبس خورده را با خود

داشتند و با این نشان دیده‌اند که رئیس جبهه ملی ایران با این مطابقت دارد و زلفای عظیم که بر سر
اصل قضیه دینی آورده اند و منوی باور دیگر دارند که او با طرف آدم درستی است.

طرف یک ماشین فولکس داشته و سیگلت در "دانشگاه لبنان" (ملی اردن) نگاه می‌داشت
بپردت است) در سن می‌تواند اظهار داشته که مخارج او از طریق مادرش که مدتی یک مدرسه معانی
در تهران است تأمین می‌شود و دچار عصبیت در گفتار می‌شود و می‌تواند به ایران برگردد. بهر حال
ما با هم در استان فلسطینی را فرگاه می‌بینیم و می‌بینیم و در باره او هر چی زده می‌شد هشدار دادیم اما
در این هم برای محکوم کردن او ندا شدیم. تحقیق مادر در عصبیت او در گفتار سین اتریش
ارغای او را که عصبیت او تأیید می‌کرد اما در مادرهای مشکوک بود. از جمله تماس‌هایی که داشت
(۱۰)

با دکتر مصطفی چمران بود که مدتی در کتابخانه کتابخانه مصطفی مطلق به نگاه دوشی صدر است. در
آنجا برخی آهنگ‌های بسیار از جمله احمد نوری (که با تمام کوشش برای تنیل بغیر ایران در پردت
- مصروفه - در لبنان می‌زدان استاد) و یکی از طلبه‌های طرفدار جنبی نظام اعرابی و گریختن

بود. طرف با آهنگ‌ها مسلان داشتند و به بار می‌گذاشت. اما آنجا که تماس داشتیم چمران

و طلبه‌ها را نیز می‌آوردیم. طرف ماه خود را عصبیت جا می‌برد و از عا‌های گفته می‌کرد که می‌تواند
کسانی را تعلیمات نظامی بدهد و غیره. - بکار هم برای آنکه پیش جنبه‌ها از طلبی‌ها و چهره‌های

کرد و با سده از جمله مره ماشین مدرسه را می‌برد و به طلبی‌ها می‌دهد و به گاه از وضع اوضاعی می‌بینیم
می‌گفتند که می‌آید می‌رود. او به برخی از مخرج و نیز به بیمارستان مدال احمد طلیس رفت و آمد

می‌کرد و با این و آن بعد از آن بسیار ایرانی یک می‌برد و در این کپسول‌ها و ارجانه خود را آدم می‌جا

نیکار و صریح طرف را با اصول اطلاعات و امنیت "فتح که حضور گنجینه خزگزی است" مطرح کردیم و او
گفت که دستور تعقیب او را خواهد داد. سپس از چندین سینه‌یم که او را گرفته بنزدان انطاخته اند.
او در خانه‌ای در محله رأس النبیج می‌نشیند. با دستگیری او چیزی بدوین منبع را اقبال زیاد از طرف
سفارت ایران) در روزنامه‌ها در ششم شد که یک دانشجو ایرانی بنام رضا اخانی رپوده شده است
بعینها شنیدیم که او را به نیکال زندان محکوم کرده‌اند. متقابلاً شنیدیم که می‌خواهند او را آزاد کنند
و می‌پرسیدیم که چرا می‌خواهند او را آزاد کنند گفتند ما میلی بر محکومیت او نداریم (!!) در واقع او را
ببخش او را که بیش از نیکال در زندان مانده بوده چون اعترافات سابقین را منکر شده بود و
گفته بود که آن اعترافات را تحت فشار ابراز داشته‌ام است قبول نموده بوده است.

حدود نیاید پس در میان ما و بر فغانی نع (و منتر انیت و اطلاعات) معلوم شد که
علیرم حکم داد که ایشان را از به بتره او طرف راه چنان نهاده اند که تا این از پرسش از
ما و نظر ما در باره او تقصیر بگیرند. این اقدام آقا بدین دلیل بوده که ما بارها نگرانی
مخود از آزاد شدن او و شزد کرده بودیم بهر حال پیونده او را داده شد تا نظر ما را خود را

یاور می صغہ قیل !

ط - دستگاه دوی صدر و مخصوص هنرستان صنعتی (در شهر صوم) بار است دکتر حیرانی
که خود از افراد نهضت آزادی و شناخته شده خارج است. بهترین جانی بوده که ساواک بدو
آدم میفرستاده است. سه نفر که حقاً پایش بودند * بدو بازداشت و خود را میزدند و جزای جازیه
پرداخته با همتاهای ما در آنجا که یکیشان جاسوس اسرائیل نیز در آنجا را ترک کردند و
سومی که در کارگاه تالیفات هنرستان کار میکند همچنان وجود دارد (نام او محضر است و اصل
گاستان).

* - رفیقِ وقتِ مگوید : « حقا، اینی زکاتِ دعوادھانی کہ اور ایہ حکمت میرا سنا زاریہ
دعوتِ تاجریٰ خوانندہ قابلِ پذیرش باشد »

بدینم، ترجمه اوراق تحقیق و بازجویی را میتوان یک تجربه و کیفیت برخوردار فضای ملیتی و
سلوالاتی که از طرف شده در زیر می آوریم:

چینش آزاد پیش ملی ملیتی

دست راست و اخلاعات
چینش بازجویی

شماره ۱۱

در صورتی که هر چه حسن رضا نغانی

سازگاری

آخرین صورت جلسه بازجویی بنی مندرج بازجویی الزامات
با تمام هر چه حسن رضا نغانی (که از روی نوار پیاده شده است) (۱)

س - اسمت ؟

ج - محمد حسن رضا نغانی

س - اهل کجا ؟

ج - ایران

س - تابعیت کجا ؟

ج - ایرانی

س - شغل ؟

ج - دانشجو

س - کجا ؟

ج - دانشگاه لبنان

س - از کجا به لبنان آمدی ؟

ج - از اتریش

س - در اتریش چه کار میکردی ؟

ج - در اتریش درس میخواندم. مدت جواز سفرم پایان رسید آنرا به سفارت ایران بردم

(۱) - بازجویی با اسامی و عناوین زیر صورت گرفته است

از شهید بهمناد سازمان به کار در (ازادی طبقه کارگر)

ج - خیر. اما سال ۷۱ فقط این قانون را گذرانده اند زیرا که قنصل راسیون دانسجیوان در آن وقت
و آلمان مخالف رژیم اند.

س - آیا باسجورت را تمدید کردند؟ و چرا؟

ج - ۵ ماه تمدید نکردند، بعد به سفارت رفتیم گفتند اگر نخواهی تمدید کنیم باید با باها همکاری کنی و مراعات بده
کردند.

س - محسن اهل توجه بود؟

ج - بن دستور دادند که به قنصل راسیون دانسجیوان وارد شویم و اطلاعاتی را در آنجا به سفارت
بدیم و منتفع سفارت خبر بشویم.

س - اینوا قبول کردی؟

ج - آری، از ترس تهدیدشان

س - چه کسی در سفارت ایران این را از تو خواست؟

ج - یل سرخشی *

س - در چه اد هیئت؟

ج - سرهنگ است.

س - سرهنگ ارتش؟

ج - خیر، کارش در سفارت است. مسئول سداک در سفارت ایران در آن وقت است.

س - قبول کردی که با او همکاری کنی؟

ج - آری.

س - در کف راسیون وارد شدی؟

ج - آری

* - باز خواهم دید دست کامل و شفقات چقدر این جزو را در میآورد و این سبزه را در مورد
تمام افراد سداک میگویم بعضی میگردد میبایستی در پیش شیفت و اگر او فکر کرد و رعای تنظیم گفتند
گزارش میبایست حتماً انجام میدادند نه اینکه سرسری از آن بگذرند. ضمناً حدیثی که در تلو بیوت
آمده نشان میدهد تحقیق بنام مهدی طهرانی که جاسوسان حرفه‌ای سداک است.

س - عضو شدی ؟

ج - آری

س - نفعی نه ؟ (ترانۀ خسته ؟)

ج - خیر

س - خوب ، بعد با سپهرت رانندگی کردی ؟

ج - در سال ۸۷۲ دستور دادم که به لبنان بیایم و با استادانهای فلسطینی کار کنم و به کویای ایرانی را ببینم و غیره .

س - در مورد فعالیت دانشجویان ایرانی در ترکیه ، مگر نمی از تو چه چیزهایی را خواست ؟

ج - هر کسی که در آنقدر اسیران کار می کند و هر کسی که به حزب کمونیست ایران دایره است .

س - از صحت میراث که در سال ۷۱ با شما رسماً مورد شدی در سال ۷۲ گفتند به

لبنان می رود مگر نمی اینها را چه اطلاعاتی را به آنان دادی ؟

ج - در مورد فعالیت دانشجویان ایرانی و اطلاعاتی به آنان دادم .

س - سگونی ؟ چه اسمی داشت ؟

ج - اسمی دانشجویان ایرانی ، اعضا ، کیم ابراهیم مثل الفت بخشی (۱)

س - او الان کجاست ؟

ج - به ایران رفت و خود را تعلیم کرد .

س - دلی چه کسی ؟

(۱) - این شخص که خود را از وقت ، مقالات ، سقادی در کتابی درباری علیه فعالیت
الیزیدین در خارج کشور در دست . *

ج - بسیاری از دانشجویان ایرانی *

س - آیا اطلاعات کاملی از فعالیت دانشجویان ایرانی و اسامی آنها به شما واک داردی؟

ج - آری *

س - آیا سقاول میدادند؟

ج - فقط پول سفر و مخارج را میدادند. خراج عین از ترش در ماه

س - دانشجویان ترانها خسته؟

ج - نه، نه خسته.

س - بعداً چرا از ترها خسته که از ترش به بیروت بردی؟

ج - (گفتند) بروید تا ناصرباشان فلسطینی، راجع به چهره‌های فلسطینی، چهره‌های ایرانی و اطلاعاتی از رهبران فلسطینی مانند البراد و ابو عمار و هانی الحسن و غیره به دست آوری.

س - آیا سقاول ساواک در درجه اول ترانها و شناخت چهره‌های ایرانی که در صفوف انقلاب فلسطینی کار می‌کنند نمود؟

ج - آری *

س - آیا در درجه دوم روابط بین ناصرباشان فلسطینی و چهره‌های ایرانی را خواست؟ *

ج - آری.

س - دیگر چه؟

* - باز چه سیاست به زور از حلقه‌ی سقاول و بیرون می‌کنند که این بسیاری را می‌گیرند و می‌برند به رده‌ای شناخته شده، واسم مشخصات کامل آنها چیست، از اینها که شتم تمام این موارد را فرستاده و گزارش سیاست و تفکرات بعضی نمود. علاوه بر سایر سائل‌هایی که ضروری بود ما نسبت به کم و کیف آن آگاهی داشته باشیم.

* - در اینجا نیز باز چه سیاست می‌گرفتیم نسبت به اطلاعات و کیفیت آنها را از آنها می‌خواستیم.

* - باز چه نتایج آنقدر را که خردش از جمع‌بندی سائل رسیده متفقاً در شتم چه می‌شد به یکدیگر عکس بایستی خلاف آنچه را استنباط نموده بیان کرده تا با جواب شتم بهتر بتواند ادراک و ارزیابی کند.

* - اینجا هم من اینها را در میان می‌کارم در راه آزادی طبقه کارگر

ج - اطلاعاتی در مورد رهبران فلسطینی

س - مثل کی ؟

ج - ابرایار ، ابرکار ، هانی الحسن

س - دیگر چه چیزی از تو خواست ؟

ج - خواست تحقیق کنم چه کسانی به جریدهای ایرانی کمک میدهند .

س - سلاح ، پول و آموزش نظامی ؟ *

ج - هر چیزی .

س - چه سالی به لبنان آمدی ؟

ج - در فوریه ۱۹۷۳

س - در مورد جدت بااد قراری نگذاشتی ؟

ج - آری . او خارجم را تأمین می کند .

س - تحت چه محلی تو در اینجا بودی ؟

ج - دانهج ، دانشگاهی دانشگاه

س - ترارسته در کدام دانشگاه ثبت نام کنی ؟

ج - در دانشگاه امریکائی و اگر قبول نشدم در دانشگاه لبنانی

س - وقتی به بیروت آمدی چقدر پول داد ؟

ج - در حدود یک سال ، دو هزار لیره (لبنانی)

س - از چه طریق پول میفرستاد ؟

ج - از طریق بانک .

س - کدام بانک ؟

ج - بانک لیبرال در بیروت

س - آیا اسم جزات میفرستاد ؟

* - بازجو به جو چه نباید خودش کیفیت تک را بیان کند . در اینجا هم شیوه غلطی را در پیش گرفته است .

ج - آری

۱ - در این باره به بیروت آمدی کتابت کردی؟

ج - نزدیکی اتحادیه را شعرا و نویسندگان

۲ - پیش چه کسی؟ [نویسنده؟]

ج - من دعوت اله به دران و همان شعری (۱)

۳ - در دانشگاه امریکایی ثبت نام کردی؟

ج - مرا پذیرفتند چون انگلیسی ام ضعیف است.

۴ - در چه دانشگاهی ثبت نام کردی؟

ج - در دانشگاه ایالتی، رشته فیزیک.

۵ - از چه طریق با طبری تماس داشتی؟

ج - از طریق بیت، بیت عادی.

۶ - آیا هر کس نامی یا کارتون نامی یا هر چه داشتی؟

ج - نه، بزبان خودی آری به ارامی درستم.

۷ - چطور می فهمید که نامه از دست؟

ج - اسم رای درستم.

۸ - آیهانی خاصی نگه داشتی؟

ج - نه، اسم معمولی نام رای درستم.

۹ - به همکارهایی اقدام کردی؟

ج - یک سری اطلاعات با حق اردن خودی و ایالتی در لبنان برایشان فرستادم *

(۱) - انروز دانشجو بودم.

* این اطلاعات ناقص و بیکیفیتی در دسترس است و همچنین به خود مان این کتب اطلاعات.

- س - خیرگیا ای ایرانی که انقلاب فلسطین همگاری دارند چه طور شناختی ؟
 ج - از من خواسته شده که با شما به دانشجویان فلسطینی در اتیوپی تماس گرفته آید و این کار را در فلسطین در پیروان است و سعی کنید و با ما هم پیوند خود را با یک بنایید *
 س - به انقلاب فلسطین ما رستی ؟ [پیوستی ؟]

۵ - پیوست (۱)

- س - به حیدر علی ایوان پیوستی ؟
 ج - متولم نگردد
 س - خیرگیا ای ایرانی را شناختی ؟
 ج - فقط دو نفر را شناختم X و Y (۳) خیرگیا بودند و به عراق رفتند *
 س - با آنکه اسم ساربان [فلسطینی] کاری کنی ؟
 ج - ای نه
 س - آیا از آنان اطلاعاتی برای مسیحی نزدت هست ؟
 ج - نه ، به معنی زاده دارم
 س - معنی زاده چه کاره است ؟
 ج - در سفارت ایران [در بیروت] کار میکند
 س - سارا کب ؟
 ج - نه ، نزد دویم سفارت ایران در بیروت است
 س - چه کاره او را شناختی ؟
 ج - وقتی به سفارت ایران رفتم [در بیروت] بمن گفت که تو در اتیوپی بودی و با مسیحی کار میکردی

(۱) - ادباً ما چنین ادعا کرده ایم که عضو مع است . کاری که دانشجویان فلسطینی برایش در پی گرفته بودند لیونان سه عضویت خود در مع ارائه میداد است .

(۲) - منظور از X و Y یعنی از رفقای ما و حیدر علی است .

آرشیو اسناد سازمان پیکار برای آزادی طبقة کارگر

۱- معنی زاده چقدر بتویدل داد؟

ج - حدود ۷۰ تیره آزاد گرفتیم.

س - معنی زاده چه اطلاعاتی از ترحم داشت؟

ج - همان اطلاعاتی که طهرخی خواسته بود.

س - از اول بگو!

ج - مخالفت جبرگهای ایرانی، اطلاعاتی از انقلاب فلسطین، از غاصری که علیه شاهکار می نوشتند و اطلاعاتی از رهبران فلسطینی.

س - چه اطلاعاتی را طهرخی در معنی زاده از البومار و البایادو هانی الحس خواسته؟

ج - اطلاعاتی از کارشان، رفت و آمده هایشان، کیفیت لباس ایشان، دستر کارشان و زندگی خصوصیشان.

س - این اطلاعات را برای چه میخواهند؟

ج - بنظر من این اطلاعات را برای سیاست میخواهند.

س - در مورد نکته اول معنی را بنظر بیاور ایرانی و اسمی آنان چه اطلاعاتی را به طهرخی داد معنی زاده داری و چه کارهایی کردی؟

ج - رضا حاشی، گدازان (؟) و دانشجوهای که علیه شاه مخالفت می کردند.

س - و از جبرگهای ایرانی؟

ج - اطلاعاتی را ج - X و X.

س - از کجا آنرا شناختی و چه ارتباطی آنها را با انقلاب فلسطین [درک کردی؟]

ج - از عبه الله بدوان را ج - انقلابیون ایران پرسیدم و او برایم گفت.

یا در می هار صحنه قتل!

* - خلاصه به سوال جبرگ داده شد و این از نظر ما هم نبود. و از جبرگ هم قلمه از آن گذشت.

* ۲ - باز جبرگ می پرسید که از کجا و چه منبعی چنین اطلاعاتی را کسب کرده است. و او گفت همان رفقای فلسطینی اس. X و X را طهرخی گرفته اند.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

س - آ - اردو گاه آموزش چرکهای ایرانی را بنویس ؟

ج - بطور کامل نفی می شود که در راه طرابلس در راه رشید در جنوب لبنان تعلیم می بینند .

س - این اطلاعات را از کجا می نویسی ؟

ج - از دوستان فلسطینی می پرسیدم .

س - در مورد نکته دوم یعنی ابوعمار و دیگر رهبران

ج - اطلاعات عمومی را جمع به آمار کردم چون آنها را بطور خاص نمی شناسم

س - از حبیبه ملی ایران چه خبری گزارش کردی ؟

ج - اشک حس مسلمان و خسر و کلا نوری در عراق اند که مخالفان و آستان به برکت از عراق و مخالفتهای حبیبه نوشم .

س - از آخرین حامیه کسی باز در ساواک همکاری می کند ؟

ج - نمیدانم . اما یقیناً هست که او شک دارم استی شیخ محمد حیدر فضل الله است .

س - در خانه هست پدری ، از کجا گرفته ای ؟

ج - هست پدر دارم .

س - به دختر فتح سرسوزی ، به که ام دختر ؟ سرسوزی ای ؟

ج - دختر ابوعمار ، دختر ابو عزیزی ، دختر زکریا ، دختر دغا (۱)

س - انان دخترها اطلاعاتی به ساواک داده ای ؟

ج - خیر ، ساواک مرا مورد کرده بود که - این دختری بودم برای آمله خبرکهای ایرانی را به این دخترها رفت و آمد میکردم شناسم .

س - گناه ، وقت و صورت شبها روز به دختر فتح سرسوزی برای چه ؟

ج - برای آنکه این امایی که با آنها هارفت و آمد میکردم شناسم

س - کسی از آنان را شناسختی که به نامی رفت و آمد کند .

ج - خیر

س - آ - به هلال احمد فلسطین ، دکتر فتی عرفات ارتباطی داشتی ؟ (۲) *

(۱) - ابو عزیزی و زکریا در عی است شیخ کا میکرده

(۲) - سوالاتی که از احمد آزاد می کند در راه آزادی طبقه کلانگر

* - در آخر مطلب مراجعه کنید

ج - آری از طریق انوسیر که در دفتر عزیمت کار میکند (۳)

س - آری در بیارستان قدس [سقف به هلال افراطین] عمل جراحی کرده‌ای؟

ج - آری عمل جراحی با صور (۴)

س - آیا کسی از ایرانیان را در بیارستان دیده‌ای که مجروح باشد؟

ج - نه

س - حرف دیگری داری بزنم؟

ج - من انقلاب طبّی را می‌شناسم و می‌زی دهم که شاه ایران و ملکات و است و اینکه سلواک

آدمکش است و مردم را بکشد و از ترس آن‌ها با آن‌ها کاری کردم

(پایان نوار بازجویی)

X X X X

در صورت طلبه، دیگری از بازجویی او تعدادی سؤال یاد دارد مثلاً که بیان جواب ده
سؤالات بعدی است و جوابها به خط طرف راست انگلیس شکسته است. بازجویی در تاریخ
۷ ژوئن ۱۹۷۴ صورت گرفته است.

سؤالات:

۱ - چگونه به خدمت سلواک در آمدی، کجا و کی؟

۲ - وسیله ارتباط تو با آنها؟

۳ - نوع تعلیماتی که می‌خواندی؟

۴ - چه وظایفی بر عهده ات گذاشتند؟

۵ - آشنایی که از آنان اخباری به سلواک داری؟

۶ - اطلاعات دیگری که از انقلابیون ایران داری؟

(۳) - انوسیر یک جریب را در واقع تو می‌شناسی که مارا در این‌ها می‌شناسی و راسته بود

مرو است بسیار و جریب از شیخ اشناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

گفته خواهند شد. فیلم مصائب مردم ^{ایران} با اطلاعاتی در گفتار اسید مرستادم. سال
 اخیر از من تلفنی خواسته که به دین بروم. او (طهرچی) بمن گفت میدانی که چرا بگویم
 ایرانی با ملیت‌ها همکاری می‌کنند باید بروی لبنان و بگویی که می‌خواهی تعلیمات نظامی
 ببینی و به ایران برگردی. گفت من به تمام عرض لازم دارد گفت با انبار و اسلحه و
 تلفظی آشنا شود عرض گیر و برد. با و گفتم اگر خبرهای ایرانی بد است که من با شما همکاری
 می‌کنم برام خطرناک خواهد بود گفت باید طوری کنی که کسی ترا نشناسد. من به این سوگ
 برگشتم و یک عرض از ملیتی ساختم و گفتم که می‌خواهم تعلیمات ببینم و برگردم ایران و آنرا گفته
 بسیار خوب. عرض را گرفتند و به پروت آمدم ۷۲/۲/۲

۲- او (طهرچی) بمن گفت وقتی به پروت رفتی ستوانی برای من نامه بنویس
 اگر خبری به ایران می‌رود باید بگویی "او دوست من است و شخصیات او است و در آن
 تاریخ خواهد بود که ایران و اطلاع بدی که در صورت حاکم کرد و کمی آمده." او بمن گفت
 که اطلاعات راجع به خبرهای ایرانی را خواهد زد و آنرا برای من است.

۳- او گفت پروت که رفتی به سارت ایران سرود با یکی از خبرهای ایرانی هم‌نام
 بود. بمن نوشت سارت نامه نوشتی که به نام ^{GERLIA} و به آدرس *
 (۴) - نام واقعی دختر من که اتریشی است - پروت است. تو باید برای خانواده ات نامه را
 از طریق من بترستی نه از خانواده ات نباید بدانی که آنجا هستی. چند ماه دیگر نامه بترست
 حواصم بترست. اگر برای انجام عملیات یا بدون حواصم به ایران رفتی بمن بگویی خبر
 تو باید بروی پیش جن ماسالی من راجع به او اطلاعاتی بگو می‌توانم بگویم. زیرا او عضو
 * - از شیوه آدرس داری پیدا است که طرف می‌خواهد اطلاعات بدهد. ما هم
 نتوانستیم اطلاعات بگیریم چون هیچ‌کس که آدرس می‌بازد جزئی می‌داند طرف از طرف رفا
 رسیده بود

جنبه ملی است و اطلاعات زیادی دارد. از بابت هوای ایرانی رانده با هر سالان طبعی کار
نی کند سیاسی.

حسن اسلامی، احمد گلشنی، گلشنی، احمد شاکری، کامبیز ریسا، طلال ناری،
دکتر حیران، دکتر صادقی این اشخاص خود در قم شده کار میکنند. از بابت با اطلاع دهی
که خبرهای ایرانی چگونه به بیروت میآیند و بعداً همانی میکند؟ تو به بیروت برو از
طبعی ما بپرس که من هم رات میفرستم بر سید باک، شماره حساب داشته باش
۵ ماه اول هزار لیره، ۵ ماه بعد هزار لیره، دگر.

۴ - دو نفر از این کارکنان که منی حضور جراح در بگری مقدم من با اسب و کتبیسی
حقایق ایران بودند از سبک داشتیم. کتبی - صفا حائری، عین زاده را در تو
یون ایران مرکز IRAN AIR (۱)

برای آنها هم بود که از خبرهای ایرانی اطلاع به دست آورند. آشنایی گفتند که من با ما
جواب است و ملی سازمانهای دیگری ضد ایرانند.

احمد (طرحی) گفت ما در دفتر طبعی ما کسی از خودمان داریم که راه کار را بست
نشان خواهد داد، او عین گفت که وقتی خواستم بروم نوشته‌ها را از ایران بیاورم و بگویم؟
پس من به روز قبل با اطلاع را بستیم.

۵ - من به بیروت آمدم (۷۲/۲/۲) به مقر دانشگاهیان فلسطینی رفتم.
دانشجویی که علیه الله نام داشت به دفتر روابط خارجی رفت و قسمتی تمام اثر -
خاله با او آمد و گفت که باید از سازمانهای ایرانی عرضی داشته باشی و گفت که
۵ روز دیگر مرا بجهت من و منی از عید الله بمن گفت که ابو خاله اینجا است. من

(۱) - صفا حائری میآید را در تو یون ایران است. عین زاده مسئول ساواک سعادت در
بیروت است.

لید ۱۱ صفحه دیگر زبان انگلیسی شلست بسته و تکرار همان حرفیات اطلاعات اضافی را در اینجا می‌آید :

این پرونده سرپرست و انجمن ایران را طراحی است .

اولین بار که در سفارت در اتریش گسرخ را دیده در اطاق کافه دیده اند .

میگویند که گاهی در دستار درونی دیده .

گسرخ سگ است که احمد را پس ترست . خانه گسرخ در (FANLMANN PA 3.46)

لید و احمدی و یک نفر دیگر نام رضا در خانه گسرخ می‌رویم .

- از نام بازرگان ایرانی در اینجا نام مطلب نیاز دکتر بارسا ، مجید زرغبش نیز علاوه بر نامها
گفته شده است .

- میگویند که ۸۰۰۰ شلیک اتریشی حدود ۹۰۰ لیوان در خانه .

- اکثر به حبس ملی نامیده شده بود .

- میگویند به بالا . فتح رستم (School)

- نام X و Y را به گسرخ می‌روستم او این خواسته بود که جای آنها را بگیرم دانسته آنها چگونه
رفت و آمد میکنند . من فقط در صبر و حذر به دنبال لبنان و بوسید حس ماسانی .

- در منزل قری حسین دیده را دیده است (تنظیمی شده که او نیز پسین بوده است) نام پدری که
میدانسته باور داده است غیر از آنکه تاکنون ایشان آورده بود گفته و سنجینی (که گویا
نشر می‌دانند) این ایرانی در دولت بوده است .

T- در حسین ندید (Haupt Post)
P.O. Box 1939

میگویند که او (حسین ندید ؟) کارت انفع را نشان دادم . شماره نقی او 316284
(کجا ؟) است و دو تا سیلش با دبل داده است .
« پایان پرونده »

* - و سائل محقی ادیبان و دیگری متعین نه است . آیا خبر دیگری همراه داشته است ؟
آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

اولاً سیوه بازجویی ازین ضرر خود فروخته غلط بوده است زیرا بازجو باید در سیوه
 بخورد و حد بایستم، سیاسی اتخاذ کند که همه اطلاعات را بر اینون بکشد. حالاً این سیاست
 میخورد سیاست نشر و تهرید باشد یا سیاست تحجیب و خنجر کردن و یا هر چند دیگری بود
 عین حال بازجو بایستی این اصل را از قبل در نظر داشته باشد که مقام اطلاعاتی دارد و نمیتواند
 این اطلاعات را بحد و حد بازجو هم از کم و کف این اطلاعات بی خبر است. بنابراین
 بازجو باید بپشت سرهم از این مقام سؤال کند و از جوابهای او سؤال بیرون بیاورد و باید وقت
 مناقشات هر نهائیش را بیرون بکشد و ... در حالیکه بنظر غیر مسدود مقامی ملیتی با او چنین
 سیاستهایی را در پیش گرفته باشند. زیرا بعضی از جوابهای اینی خرافاتان میدهد که میخورد
 بازجویی را سهل کند.

پاورقی صفحه ۲۷ :

* - بازجو وقتی در دود سوزد از رفتن به حلال امر و صحت با دیگران بی خبر است
 او شناسایی دارد و نباید مستقیماً همان دو مورد را بیان کند. بلکه بایستی در یک جزئیات بگوید و باید
 بعد از آنکه در مورد سایر مطالبات میخورد توضیح بدهد. و اگر او را می دانند و می دانند که برای او شناخته
 شده است حتماً نزد بیس معلوم میشود و بیس میگوید در این حالت بایستی با مقتدا میخورد
 این موارد را میگوید و باید بگوید که از همه مطالباتش با خبر است بنابراین انگار کردن
 ناید و ای نداند. و اگر در دفعه دوم. مورد دومی که برای بازجو شناخته شده است بگوید
 او بیان شده که معلوم میشود شناخته شده است و اگر بیان شده یا باید برای او
 دوم شناخته شده است یا او را در دیگر مورد دوم را نیز بگوید و سیوه دیگری در باره
 جوئی در اقتصاد کرد. در حال در چنین صورتی چه با اطلاعاتی که برای ما شناخته شده بود از
 سرهم بحال آنکه ما از آنها آگاهیم از ترس ما رر خواهد کرد.

ناتجای رفقای فلسطینی نه تنها جوابی اورا میدهد برسی قرار نمیدهند و از آن سلال بیرون نمیکشند
بلکه دهم و او ای میراد در درون جباب از طرف مستقیم اورا میری میکنند

تبطرین سه

ثالثاً، رفقای مادر این جریان بر خورد عین سلاطین ای نموده اند و بر این رفقای فلسطینی
حقین و باز جوی دینی که از این خود رافقی در چند مرحله بر سید رفقای ما مانع شده اند. باین
این رفقای باقی حکم در این سید پیشه آمده و حتی در صورت بی تفاوتی رفقای فلسطینی اند
آنها مصراً میفرایستند که این کار اقدام نماند. زیرا اکنون سائل وجود دارد که از نظر ما
ناشناخته اند و نه. چنان سائل که در این رفقای ما آورده شده است.



مستغنیات یک منزل ساواکی

نام: منصور

نام خانوادگی: شجاعی مزدبختاری

نام پستار (ساواک در لغت ادب اوداره): آتای سیرانی (دقیق نیستم) مطابقت ادب باها

زاده: و آدرسش بصورت زیر می باشد:

دولتی، دره - صندوق پستی ۱۳۴۷، صندوق الرابع، آتای دهنده من مرد

من: خرمائی، غالباً از وسط جدا می کند (فرق از سنگینه)

قد: بلند، سن: حدود ۵۰ تا ۵۵ سال، (حدود ۴۰ سالگی ازدواج کرده) غالباً کت
دستوار حوله ای می پوشد، حتی در تابستان خورستان کت می پوشد.

ستوله هفتقل (دقیقت سفید) از مناطق نفتی خورستان است. تحفیات ابتدائی و
احتمالاً متوسطه، رادر هفتقل گذرانده و ظاهراً دهنده من کشاورزی باشد (مطمئن نیستم مگر
می گفتم یک دوره فوق سلیم در کشاورزی دره).

در تهران کار می کرد (احتمالاً در اداره کشاورزی)، در تهران صاحب یک باب منزل در طبقه
است. (خیابان کارون کوچه چهارم آبان)، ازدواج کرده، دو سیری حدود ۵
سال دارد نام مرتضی، اسم ریش عصمت است و دختر چینی، صاحب چاپخانه
چینی آبادانی است.

تغیر خواهر من در یک بیمارستان (که احتمالاً از طرف دولت ایران ساخته شده)
در دولتی کار می کند. درجهٔ سطحی ندارد ولی بهتری تر از اکثر است ظاهراً چینی در آن
است مخصوصاً با بعضی ها خیلی می جوشت ولی آدمی بیس از حد بد رفتاره
و مزدوری است. دست خط خوبی دارد.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

ظاهر آراء مخالف رژیم بوده و احکاماً و حزب توده مخالفت میکرده (در این موارد مطبوعات
نیستم) هجده سال پیش (احکاماً سال ۴۸ - ۴۶ دقیق نیست) برای انتظارات مجلس گامی نه
بود (ظاهر از طرف خودش) ولی موفق نشد و شایع بود بابت مخالفتش با رژیم.

در خوزستان با حمید و مجید بختیاری رابطه داشت و قرار بود با هم یک شرکت با موتور
در اهواز بازند که انعام نشد، حدود سالهای ۵۰ - ۵۱ از کارش استعفا داده و در اهواز
با قرض و کلاه برداری یک شرکت ساختمانی بنام شرکت دتران ساخت که با تاجر شرکت
نفت بود، در اهواز زمین کاری یک کارساختن حمام در مسجد سلیمان کارساختن یک
باشگاه را داشت (موفق که از طرف ساواک به خارج فرستاده شد) بعد از رفتن شرکتش
هم در شرکت کرد در این مورد ساواک هم چیزی به او نداد.

دیگرن (همانکه ای من مشکل داشت رفعت بعد از یک طرف و اهواز و مسجد سلیمان از طرف دیگر)
انعام به احداث چاه عمیق نزد و تعدادی بست که داشت (که نمیباشد) و به چهار حال خیارگی
در اهواز و شهر گرداه معین رفت و آمد داشت، خانواده اش در تاسیسات به وجود میزدند و
در رستگان در مشکل بودند. (پدرش یکسال پیش مرد) اسم پدرش علی بود او هم به کار
شرکت نفت بود البته خیلی چیز (در سال ۴۹) احکاماً خرد اداه) با بدوای توسط ساواک
به بغداد فرستاده شد (نگو میگویم از محافل عباس شهرباری بود) رفتنش ظاهر از طریق
افغانستان انجام میگیرد، با بیورت او بنویان بازگان پدرش با بیورتش تیا به بارگاه
دارد و باریش سزا شده (حدود ۴ - ۵ روزه) است. (نگو میگویم عورتش به تهران
بودن) اسلحه هائی که به وسیله بختیار با شتر به ایران فرستاده میشد توسط او و همراهانش به
ایران آورده میشد.

روایت آنجا که با سارا که از آن برد.

در ایران به علت ورشکست شدن شرکتش بدعای زیادی بار آورید و سارا به شرکتش
را از دستايش گرفته بود و تهمید داد بود که اگر شرکت ورشکست گردد پول آنها را بپردازد ولی
از آنجا که ظاهر آیرلی برای پس دادن نداشته و دیگر با هیچ کس رابطه ای ندارد.



این نزد با شصت زیر سارا کی است.

اسم و نامیل: در ضایع بین کار، روی صاف میگویند، عیب تیره و فیهی (چشم های زیر دلبست
آن) سیل نسبتاً کلفت (که ممکن است تراشیده باشد) صورت نسبتاً باریک.
قد حدود ۱۷۲-۱۷۴. درشت اندام دگر گشتی. بیروت بود و قبلاً در ایران کار میزد
بود که بورس زبان انگلیسی گرفته که علم زبان شود. رشت اش:

linguistique, education. سن ۲۱-۳۰ ساله. خود را متقی جا میزند
مقداری عربی بلد است.



گزارشی یک مسئله استثنائی

با اتفاق رفیق A در یک روز کتور ما وارد طبقه خانه مخصوص شدیم تا بار مقدار کتور دیگری
 تاس بگیریم بعد از چند دقیقه متوجه شدیم که از یک جعبه سه تفری در قفسه‌های بالا بارها بارها
 خارج کرده و جای آنها گذاشته اند. پس از مدتی وارد تاس شدیم تقریباً مدت ده دقیقه‌ای که داخل
 تاس بودیم، دو نفر دیگر یک خطه از با حشمت بر می داشتند. اتفاقاً لطفی ما را متذکره
 و گفته بایستی بی صبر کنی تاس وصل شود. (در عرض این ده دقیقه که در تاس بودیم
 موفق به صحبت کردن نشدیم) و وقتی از تاس خارج شدیم کیلر است کنار آتیا در قفسه خانه
 نشستیم. این علت که ما را در تاس در حالت شکوکی از ما سر زده و یا نادر آگاه کاری کردیم
 که آتیا با شکوکی شدند، پس بر روی هر یک از تاس نشینیم تا شاید مسئله روشن شود.
 بعد از آنکه در کنار تاس نشستیم برای آنکه آتیا به نقطه‌ای نرسد من در قفسه با هم شروع به صحبت
 کردیم و در آنجا چند خطه بی آتیا و سنی آتیا هم زده و گفت آتیا می‌باید
 (ما را با هم باطلی ام باید) من ابتدا فکر کردم. سپس آتیا شغل - وصل شغل من مشخصات
 بعضی از اعضا، حامد - و فاطمه را بودند و اضافه کردند تا فاطمه اصحاب را هم توجه داری حتی
 قیام تو را موی زنده من گفتیم که تا اقبال وارد بیایز برای اتفاق افتاد. که وارد
 گوناگونی که من نمی شناسم من گفته آقا تو شیو بیخود من حتی و آتیا من می‌باید
 لیبرائی من هسته و از من موارد و این بدان علت است که می‌توانم یک قیام موی
 است و هیچ‌گونه علامت صفحه‌ای ندارد. با تکرار این حرف روی این مطلب بازاری
 کردم با اقبال طرف می‌گفته که شک ندارد من حشمت و پس از آن رضائی
 علیا منبر و اینکه آتیا از آنکه مراد آن کتور می‌بودند
 بعد از تعجب بود و در وقت سر هم سوال می‌کردند. بعد که این یک خطه سوال کردن حاصل شدیم

از سوال میگوید (مجموعاً سوال کن و تقیبات نام دارد یکی نیز داشت) ضعیف است و حسی
 میگوید گفته آسان از ...^{گذشته} (اسم شهر محل سکونت برای من) من نفتم ... بعد گفته
 من در آنجا زندگی می کردم نفتم گهای آنجا آسان گفته اگر شما در آنجا زندگی میکردید پس چرا
 میگوئید گهای آن شهر در آنجا من نفتم که استبداد کردم ولی بلا فاصله نفتم بجا آمد و من
 نام از یکی از محلات همان شهر و بسیار من شایسته دارد و شایسته او را این موضع نیز گفته
 گفت اسم دست شایسته با نفتم ... بهر حال من ایستادگی نفتم بعد از روی هال
 من که استیضای گرفته ام با فکری میگویم از آنجا احاطی کرده از نفتم میروم آدم در
 بیرون رفیق A گفت آنها مجبور به ایستادن بهر آنکه از آنجا میروند و من نفتم
 محلی مناسب دوباره به تفنن خانه رفته کی از آنجا میروم آورده و بعضی از آنجا میروند
 با کسی در این برادریست که من نیز این پیشهاد رفیق را گرفته ام و بعضی از آنجا میروند
 از آنجا میروند و در آنجا من نیز میروم ولی نفتم میروم و من نفتم میروم در آنجا
 میگویند که ما تقریباً معلوم شدیم که من نیز میروم و من نفتم میروم در آنجا
 آن دو نفر نیز قوصه هائی میگویم من نیز میروم و من نفتم میروم در آنجا
 ۱- عدم استاده از نفتم ایستاد که در نزدیکی محلهای سکونت این انسان بقیه خارج می باشد
 (آن نفتم در نزدیکی محل سکونت این انسان واقع بود).

- ۲- حتی المقدور استاده از تفنن در سلطی که امکان مراجعه استکان در آن ساعات در
 دیگر ساعات در دسترس باشد. مثل صبح زود. (در حالتی که ساعات صبح مراجعه می باشد).
- ۳- از تفنن های رد دار مثل تفنن بختل - ... در آنجا میروند و در آنجا میروند
 شود که در مواقع بسیار ضروری آنها را به رعایت شرایط مذکور در فوق متذکر اگر ما در آنجا
 تفنن منزل و محلهای دیگر میرویم تا باین منزل که میرویم.

۴ - نگاههای ثابتی که سر در استفاده مافوق میگردد بسیار مدتی باید عرض شوند مثل قرار دادن ثابت پستان - نفس خانه و ... اگر با این مسئله متوجه میشویم و استفاده از همان نفس خانه را نیز بخواهیم (چنانکه آن را در راهها دیدیم که ایستاده میمانیم) احتمال زیادی داشت که این روش ثابت مانند سداک بدود و اگر از این روش در صورتی که میخواهیم حد اقل برای مدتی می توانیم انقباض که بطور کلی نگاه می داریم

۵ - هوایار مدادم . اگر نگاههای این دو نفر را جمعاً احاطه میکند قضیه بیچوبه با اینها میشود .

۶ - اگر با اشخاصی که در رگرم که سادای شلخته به پیچیده نباید شناخت آنها را نباید کنیم . بلکه باید آزاد کنیم مگر در مواردی که طرف خود متوجه است یا در محله و محله و محله که در این مورد چنین چیزی که ایستاده میمانیم متوجه نیست به این اطلاعات خود میداند که در این مورد اینها را

X X X X X X X X X

فرار از یک تعقیب

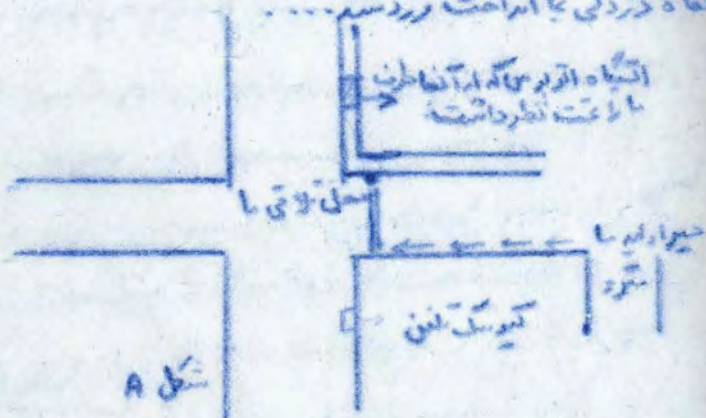
دو نفر از مقابلان که در تاس مقابل با هم قرار ندارند در کشور X مسیر میروند * نسبت به خود همدیگر را در دست آنها نمی آید افراد مقابل تعقیب را بین توجه تاس نمی در آنها با سازمان میگرد . ضمناً این اشکال نیز در جانب ما میروند که تاس آنها با سازمان نیز سداک نیز در صحت باشد آنها چه در ثابت دارند که بوسیله این درها سداک را حتی میتواند تمام حرکات آنها را از نظر بگیرد . جدیداً آخرشان موارد دیگری از تعقیب دیدمانه . مثلاً بشمار مشاهده کردیم دو نفر را در این آنها را در دست میروند .

در ادوار و سایر مکانی که ابتدای مکان بیکار در راه آزادی طبقه مکار گردیدند در این وقت * - این دو نفر از سیمای تیرهای ما میروند

گفته شد آیا میرد شدگی هم در طول راه از کتور 7×8 و یا در کتور 7×8 هنگام حرکت
 دیده ای؟ گفت نه هیچ مورد شکوگی ندیدیم. گفته شد قبل از آمدن سرور خود را یک
 کردی؟ گفت در ایستگاه ستوری ۱۰۰۰۰ متری تقسیم ^(۸) و قبل از آمدن سرور چند
 بار تپت سر خود را نگاه کردم و خود را یک بزم (ترجیه بود) استیانی که امیر
 نو آفرین از سده تقصیه دارند. بهر حال برای انجام سرحد صداتی تقصیه در
 متر و حاج شدم. در حیاتی شدم. بعد از طی سافت حدود ۲۰ متر یک بار
 راه رسیدیم. در حیاتی سمت چپ نزدیک چهار راه یک کیویک تپن وجود داشت
 و در کیویک شدم تا بتوانیم به پانه تپن پشت سر خود را یک کنیم. بعد از دو سه دقیقه
 جوی قدیمه - تپت دانجودی - رنگ پوست سبز - شرفی الباسی بزرگ
 تیره رنگ شال گردن از همان حیاتی به چهار راه رسید و در سمت راست چهار راه
 یعنی درست در امتداد ما در ایستگاه اتوبوس شد (شکل ۸) او وقتی وارد ایستگاه شد
 از در و دروازه ما تحت نظر داشت. بعد از که هر وقت حرکت می‌داشت و سوار می‌شد
 در این موقعیت رفیق پیشش به فرود می‌رفت و او را به پانه می‌برد و گفته شد که
 اندک بیکر تپه برگردی پشت سوت را نگاه کنی تحت حمایت دیگر و هنوز در آنکه با مشخصات
 مذکور در ایستگاه اتوبوس ایستاده است نگاه کن و ببین که او را در طول راه از کتور
 به لا و یا در کتور لا در جامای دیگری ندیده ای؟ رفیق با چلی وقت گفت که او را
 در حیاتی ندیده است ولی اضافه کرد که طرف به جوری مراقبت نظر دارد که هر جا حدود
 ۷ دقیقه مادر کیویک توقف کردیم او نیز حدود ۵ دقیقه در ایستگاه اتوبوس سطر ماند
 از کیویک تپن خارج شدم و سمت چهار راه راه افتادم در این موقع حرکتی از طرف
 سرور که برای ما تفریبا سطر شده بود که تحت تقصیه هستیم. وقتی مادر کیویک خارج
 شدم و به نزدیک چهار راه رسیدیم او نیز همان است که ما را همراهی می‌کرد و به سرور
 از ایستگاه اتوبوس خارج شد و سمت ما همراهی می‌کرد و در این ایستگاه توقف کردیم

آرشو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

که هم می توانیم همان راه را برگردیم و هم می توانیم این خیابان را قطع کنیم و مسیر خود را
افتاده همان خیابان شده و از آنجا ما رامت نظر داشت حرکت کنیم. لذا ما نیز خیابان
را قطع کرده و در جنب خیابان سفید به سمت باغی خود برگردیم سوخت روشن و در مقابل
هم نگاه در زدگی با انزاحت برداشته



در اینکه ما باید با تمام نیروهای خلق تماس داشته باشیم و تفریق و تقابل آنها
را به صورت جنبش در آوریم، عرض در آن نیست. اما همواره ما در این عرصه خود
با تمام هم و گهر خود کار داریم. اگر از یک طرف ما باید همه و هر گونه نیروی خلقی و ادراک
خلیخ نگار بگیریم، از طرف دیگر باید علی تمام با انگیزه نیروها، با فقر، بسیار بیشتر
ما را در عرض همه و تقویت قرار دهد. این عمل را می توان در ده علم اول به
گزارشات ملقاتی و سپس عدم آگاهی و تجربه این نیروها کنترل نمود.
اما در هر حال این تمام ما چگونه باید عمل کرد و چه می شود ما می باید اتحاد کرده

پایه ای از صغر قتل:
* - نه اعلام شد شش روزه در آشپاه ستر و کامر تقسیم شود. بلکه عاظم
دسته اضافی در آنجا انباشته بود.

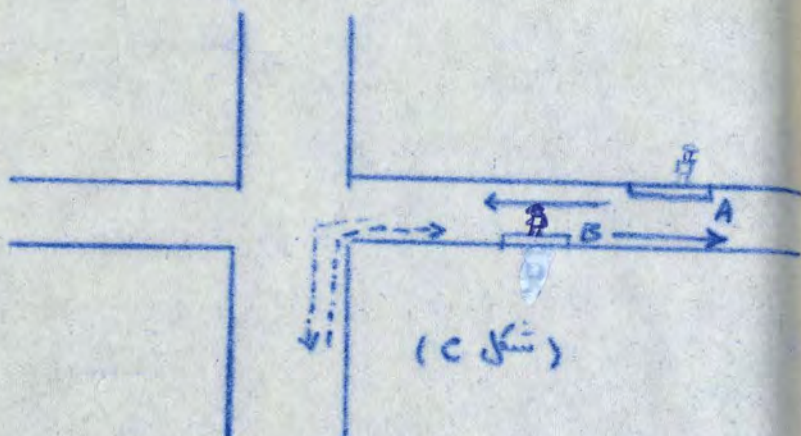
میزبانه سادات را در این گاهالی می اثر ساخت ؟ ما میتوانیم با وجود خوشی ها با آنکه
 نیزه ها این اضا را حل کنیم . ضربات باغهای اخیر ما سبب آنست که هر روز در میانه
 در در سال پیش و شاید در یکال پیش با امر در خرق زیادی دارد . ضرباتی که اهل
 خشن بینا نه عقل ستم نشان میدهد که اگر ما نتوانیم هر روز خوشی های عقلی خود را
 ارتقا دهیم در نا اشیای بعضی نرم عیب افتاده و در نتیجه قادر به حفظ خود نیستیم
 تا در به ادا نه کاری نتوانیم کرد . سبب رفقای خارج نیز به طور جد بنا بر این اعتقاد
 برای با به بودن خوشی های خود در در در کار و در سره عدا با شنه چرا که اخباری زیاد در
 رکاش رفته اند و در دست است که کشف میدهد در یک لحظه از ترس و سوح . سارا -
 با ای سلیح از گاهالی خارج شامل میباشد . باید با جمع بندی از ضربات برانگیزه خود
 در این زمینه بتوانیم ضربات افقانی خود را ارتقا دهیم و در ضربات دشمن را بگیریم
 و هر روز تا گنگدای حد بر تر و اشکلات تاریکی نرم . با این سلیحی که این و هر روز
 استیجان گرفت در بر می آوریم .

۱- ایستی در وجود این نود ها که در در دران شوهای جدید تعقیب و مراقبت از
 طرف سلوک تر رداوه و نظیر کلی در این زمینه نظرها با آن در در حال ایستی
 در نظر داشت که آنجا است کسی که گواشات اند و در در سلیح عدا با شنه با جواد این
 رصدها نیستند . پس ما باید در در در با آنها از قبل این نتیجه بگیریم که با افراد
 آورده ای در این هیثم و تعلیم حرکت خود را در در در آنجا آورده بودن آنها تا در
 دریم . و به هر چه در در دران و از بر اینکه ما خود را چک کنیم و در در مشکلی در
 را به نرم یک است و ... افتاد داریم . مثلا بنظر این است که آنها به هر چه
 در در آن آورده است با در دران متعصب هستند و با در در سلیحی که بنظر

تَب تَجَرِبَه اَسْتَقِی

بارتقی در منطقه ای قرار داشتیم ولی چون محل قرار را با اسم منطقه و خیابان نیدانیم
 لذا آنرا شرط یقین میزدیم. بعد از مدتی در این خیابان به آن خیابان و از این کوچه به آن
 کوچه که بعضی مواقع با دوربین قرآم بود به سر چهارراهی رسیدیم. وارد کوچه ششم
 ناما رفتیم و دیگری که قرار تفتی داشتیم صحبت بنام از تفتن خارج شدیم و بعد از آن
 تره شرط غیر شفق و راه افتادیم. ناگهان در استیگاه اتوبوسین جزوی راه پرت میخ
 دیدیم که شباهت زیادی به یکی از آستانهای ساوآئی ام داشت. از بناهای کلاسیک
 صدیقی استعرائی قدی توسط کاخ ارام، رنگ پرست سبز و پالتوی خاسته و یک
 کلاه فلک دار میزدیم (البته برف نسبتاً کمی میزدیم) بعد از سانی تحت
 محلی رفتیم و در نیم طرف خیلی دور در اینجا استیاده است. از آنجا دور شدیم و به
 حرانی منطقه قرار رفتیم رسیدیم تا شاید بتوانیم او را به بینیم مدت حدود ۵ دقیقه
 در حال جبهه در آنجا بودیم. باستانی و تاق اول دیگر در آن عود شولک
 بودیم در این موقع در یک خیابان اصلی در تقاطع چهارراهی وارد کوچه ای شدیم
 حین کوچه عروسی بود بعد از طی مسافتی حدود ۵ متر بعد از رفتن و پس از
 گذشتن از همان چهارراه وارد خیابان اصلی گردیدیم. در ماسه تقریباً ۱۰ متری
 خیابان اصلی با مال قعیب شاهد کردیم همان فرد اکنون در اینجا و از هم در
 استیگاه اتوبوسین منتظر است. آنچه که باعث شگفتی میشد این بود که او ابتدا
 در جهت سبز A است B منتظر اتوبوس بوده ولی اکنون که استیگاه باشد که

در جهت مسیر $A \rightarrow B$ شش‌ر اکتوبری بود. (شکل c)



در اینجا بنظر می‌رسد از استیگاه A تقیب را از راه داده تا به سر چهار راه رسیده و وقتی شاهد کردی به حرکت خود در کج‌جهت ادامه ندادم برای اینکه در عرض دیدن واقع نشود وارد استیگاه اکتوبری گردید. وقتی دوباره وارد آنجا دیدیم صدای آشنایی حدود ۱۰ متر سمت محل قطع کردن خیابان و گشتم و استیگاه اکتوبری را نگاه کردم ولی وارد آنجا نپذیریم. با توجه به اینکه هیچ اکتوبری نیز نگذشته بود و ...

نتیجه: از آنجا که قرار می‌گرفت در عرضی مشروط بود و یکی می‌بایستی برای دیدن رستی تا آن حد اقدام بخرج میدادم و وارد بین از این کج‌جهت بآن کج‌جهت و ...
تا بخواهم وضع شکلی ایجاد می‌نمودم. در واقع من در اینجا یک برخورد عاطفی با مسئله اجزای قرار کردم. یعنی برای اینکه کوششی کنم رفیق ۲ دقیقه ای در برب شش‌ر می‌نشود وضع شکلی برای خود بوجود آوردم که امکان صبر به آخر هم می‌نمود. البته در دهه اول آن مورد مشکوک. دیگر غرضم را انتقال نمی‌نمود باز این حالت بود که یک امر خفیه یعنی شش‌ر نماندن رفیق در سرانجام ۳۰ را خود مشغول می‌کرد. بود و ...

